

## زمینه ها و علل تأسیس آموزشگاه توسط میسیونرهای امریکایی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق

موسی خاموشی<sup>۱</sup>

دکتر حمید حاجیان پور<sup>۲</sup>

### چکیده

میسیونرهای امریکایی در سال ۱۸۳۵م/۱۲۵۱ق وارد ارومیه شدند و تا پیش از سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق، حاضر به فعالیت در میان مسلمانان این شهر نبودند، اما در این سال، برای آنان آموزشگاهی تأسیس کردند. امریکایی‌ها تا پیش از سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق تحت حمایت دولت انگلستان بودند، اما در پی تیرگی روابط ایران و انگلیس، حمایت بریتانیا را از دست دادند. (تاریخچه) این پژوهش به واکاوی علل تأسیس آموزشگاه توسط میسیونرهای امریکایی برای مسلمانان ارومیه می‌پردازد. (مسئله) تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه فعالیت میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ارومیه صورت نگرفته است. (پیشینه) این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چرا میسیونرهای امریکایی در سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق برای مسلمانان ارومیه آموزشگاه تأسیس کردند؟ (سؤال) پس از تیرگی روابط ایران و انگلیس، آن‌ها در پی کسب امنیت در ایران به فکر جلب حمایت پادشاه و مقامات ایرانی افتادند. رقابت آنان با میسیونرهای فرانسوی نیز برای جلب توجه مقامات ایرانی بود. علاوه بر این، آنان شرایط تبلیغ در میان مسلمانان سایر شهرهای ایران را مناسب نمی‌دانستند. (فرضیه) پژوهش حاضر بر آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی علل تأسیس آموزشگاه مزبور بپردازد. (روش) این پژوهش در پی بررسی علل شروع فعالیت آموزشی امریکایی‌ها در میان مسلمانان ارومیه است. (هدف) تأسیس آموزشگاه برای مسلمانان ارومیه، تضمینی برای ادامه فعالیت میسیونرها بود. (یافته)

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام / دانشگاه شیراز، Musa.Khamushi@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۳۰

۲. دکتر/تاریخ ایران بعد از اسلام / دانشیار/بخش تاریخ/دانشگاه شیراز، nhajianpour@yahoo.com.

### کلیدواژه‌ها

مسیونرهای امریکایی، آموزشگاه، مسلمانان، ارومیه، امنیت.

### مقدمه

اولین حضور مسیونرهای پروتستان در ایران به اواسط قرن هجدهم میلادی / دوازدهم هجری قمری بازمی‌گردد؛ زمانی که هوکر<sup>۱</sup> و روفر<sup>۲</sup> آلمانی در سال ۱۷۴۷م/ ۱۱۶۰ق برای تبلیغ به ایران آمدند. (Van Gorder, ۲۰۱۰: ۱۲۱-۱۲۲) پس از آن دو، نوبت به پروتستان‌های اسکاتلندی رسید. «انجمن تبلیغی ادینبرگ»<sup>۳</sup> یا همان «انجمن تبلیغی اسکاتلند»<sup>۴</sup> در سال ۱۸۰۳م/ ۱۲۱۷ق تعدادی مبلغ را به قفقاز اعزام کرد. این مبلغین پس از رسیدن به قفقاز راه جنوب را در پیش گرفتند و وارد خاک ایران شدند. آن‌ها به آذربایجان و آستراخان (حاجی طرخان) رفتند. (Van Gorder, ۲۰۱۰: ۱۲۲) پس از آنان، نوبت به هنری مارتین (اهل کشور انگلستان) رسید. او در سال ۱۸۱۱م/ ۱۲۲۶ق وارد شیراز شد (اردلی، ۱۳۴۱: ۱۱۶؛ Martyn, ۱۸۳۷: ۲/ ۳۵۹) و در آن‌جا به فعالیت پرداخت. پس از مسیونرهای فوق، مبلغین پروتستان امریکایی قدم در این عرصه نهادند. امریکایی‌ها که در سال ۱۷۷۶م/ ۱۱۹۰ق مصادف با سال‌های آخر حیات کریم‌خان زند توانستند استقلال خود را جشن بگیرند، (Butler, ۲۰۰۱: ۱) خیلی زود درصدد برآمدند تا همچون هم‌کیشان اروپایی خویش، به نقاط مختلف دنیا از جمله ایران، مبلغ اعزام کنند. آن‌ها در نیمه اول قرن ۱۹م/ ۱۳ق و هم‌زمان با سال‌های آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، مبلغین خود را به ایران اعزام کردند. هدف مبلغین اروپایی و مبلغین امریکایی، تبلیغ شاخه‌ای از مسیحیت بود که خود به آن اعتقاد داشتند. امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، پروستان و فرانسویان کاتولیک بودند. لازم به ذکر است که پنج سال پس از حضور مسیونرهای امریکایی در ایران، لازاریست‌های فرانسوی نیز هیئتی به ایران اعزام کردند که فعالیت آموزشی و تبلیغی خود را از سال ۱۸۳۹م/ ۱۲۵۵ق در تبریز آغاز نمودند.

1 - Hoecher

2 - Rueffer

3 - Edinburg Missionary Society

4 - Scottish Missionary Society

(ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۲)؛ لازاریست‌های فرانسوی، رقیبان میسیونرهای امریکایی در منطقه آذربایجان بودند.

«انجمن امریکایی اعزام مبلغ به خارج»<sup>۱</sup> در ۲۹ ژوئن ۱۸۱۰م/ ۲۶ جمادی الاول ۱۲۲۵ق تأسیس گردید. (Putney: ۲۰۱۲: ۵) این انجمن دو سال پس از تأسیس؛ یعنی در سال ۱۸۱۲م/ ۱۲۲۷ق به نقاط مختلف دنیا مبلغ اعزام کرد (Religious Tract Society، ۱۸۸۸: ۲۶۵) و در ادامه اعزام مبلغ، در نیمه اول قرن ۱۹م/ ۱۳ق و هم‌زمان با سال‌های آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، مبلغین خود را به ایران فرستاد. هدف میسیونرهای امریکایی، تبلیغ مذهب پروتستان از آیین مسیحیت بود. در ایران، امریکایی‌ها مبلغین خود را به سوی مسیحیان نسطوری آذربایجان فرستادند تا از طریق فعالیت و تبلیغ در میان آنان، به مرور در سرتاسر آسیا نفوذ کنند. (Joseph، ۱۹۶۱: ۴۴) هدف اصلی انجمن امریکایی از اعزام جاستین پریکنز، (که ریاست میسیونرهای امریکایی را در ایران برعهده داشت)، فعالیت در میان نسطوریان بود. (Anderson، ۱۸۷۲: ۱/۱۶۵-۱۶۶) میسیونرهای امریکایی در ارومیه ساکن شدند؛ شهری که نسطوریان تنها سکنه آن نبودند، بلکه در قسمت شرقی این شهر شیعیان و در قسمت غربی آن اهل تسنن سکونت داشتند. (Perkins، ۱۸۴۳: ۲۹) میسیونرهای امریکایی در نوامبر ۱۸۳۵م/ رجب ۱۲۵۱ق وارد ارومیه شدند و در ژانویه ۱۸۳۶م/ رمضان ۱۲۵۱ق آموزشگاهی برای نسطوریان تأسیس کردند. (Tejirian & Simon ۲۰۱۴: ۸۷) با وجود این، فعالیت آموزشی آنان در میان مسلمانان ارومیه تا سال ۱۸۴۰م تحقق نیافت. میسیونرهای امریکایی در تاریخ ۸ ژانویه ۱۸۴۰م/ ۳ ذی‌القعدة ۱۲۵۵ق آموزشگاهی برای مسلمانان تأسیس کردند. تعداد شاگردان این آموزشگاه ده نفر بود که همگی مذکر بودند. (Perkins، ۱۸۴۳: ۴۰۳) البته آموزش در میان مسلمانان ارومیه توسط میسیونرهای امریکایی، کمی بیش از این با یک نفر دانش‌آموز در تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۸۳۹م/ ۱۷ شوال ۱۲۵۵ق شروع شده بود، (Tracy، ۱۸۴۲: ۳۹۴) اما از آن‌جا که جاستین پریکنز در کتاب خود که اصلی‌ترین منبع در این باره به حساب می‌آید،<sup>۲</sup> به تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۸۳۹م اشاره‌ای نکرده و با توجه به این‌که در این تاریخ تنها یک نفر تحت تعلیم بوده است و نیز نزدیکی دو تاریخ مذکور، در

1 - American Board of Commissioners for Foreign Missions

2 - A Residence of eight years in Persia among the Nestorian Christians

این مقاله تاریخ تأسیس آموزشگاه برای مسلمانان، همان ۸ ژانویه ۱۸۴۰م/۳ ذی القعدة ۱۲۵۵ق در نظر گرفته شده است.

با توجه به این که هدف اصلی میسیونرهای امریکایی فعالیت در میان نسطوریان بود، بررسی انگیزه‌های آنان درباره آغاز فعالیت آموزشی در میان مسلمانان ارومیه، ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که زمینه‌ها و علل شروع فعالیت آموزشی میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ارومیه که در قالب تأسیس آموزشگاه اتفاق افتاد، چه بود. نویسنده معتقد است که میسیونرهای امریکایی، جهت کسب امنیت لازم برای ادامه فعالیت در ایران و نیز مساعد نبودن شرایط فعالیت در میان مسلمانان سایر شهرهای ایران، آموزشگاه را برای مسلمانان ارومیه تأسیس کردند.

#### پیشینه پژوهش

در زمینه فعالیت میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ارومیه، پژوهش مستقلی در قالب مقاله یا کتاب صورت نگرفته است. دهقان (۱۳۴۸) در کتاب خود به مسائل طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی شهر ارومیه پرداخته است. او صفحاتی از اثر خود را به فعالیت میسیونرهای امریکایی در ارومیه اختصاص داده که در این میان، چند خطی نیز مربوط به فعالیت آنان در میان مسلمانان ارومیه است. برومند (۱۳۸۱) نیز در کتاب خود بر فعالیت میسیونرهای انگلیسی در قالب «انجمن تبلیغی کلیسا» تکیه دارد؛ با این حال به برخی از تعاملات میسیونرهای انگلیسی و امریکایی در ایران نیز اشاره کرده است. برای مثال طی توافق به عمل آمده بین میسیونرهای دو کشور مزبور، امریکایی‌ها در مناطق شمالی ایران و انگلیسی‌ها در مناطق جنوبی ایران، فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی خود را پی گرفتند. برومند درباره فعالیت میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ارومیه مطلبی ارائه نکرده است. همراز (۱۳۹۱) در اثر خود به فعالیت‌های میسیونری مسیحی از دوره صفویه تا انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. نویسنده در فصل اول از میسیونرهای امریکایی سخن گفته است که البته این مطالب به دوره دوم فعالیت‌های آنان در ایران (از سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق به بعد) ارتباط دارد و به جز صفحاتی چند به دوره اول نمی‌پردازد. ناطق (۱۳۷۵) در اثر خود اشاره‌ای کوتاه به فعالیت میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان دارد. متولی (۱۳۴۸) نیز به فعالیت در

میان مسلمانان از سال ۱۸۷۰م/ ۱۲۸۷ق به بعد اشاره می‌کند که از نظر زمانی با پژوهش پیش‌رو هم‌خوانی ندارد. شهیدانی (۱۳۸۷) نیز حجم کمی از اثر خود را به ارتباط میسیونرهای غربی با مسلمانان اختصاص داده است. لازم به ذکر است که مطالب مزبور از نظر زمانی دوره صفویه تا پیش از تأسیس سلسله قاجار را دربرمی‌گیرد؛ حال آن‌که از نظر زمانی، پژوهش پیش‌رو بخشی از دوره قاجار را مدنظر دارد. کجباف و دهقان‌نژاد (۱۳۸۷) نیز در اثر مشترک خود به بررسی فعالیت‌های میسیونرهای فرانسوی در ایران عصر قاجار پرداخته‌اند. در این اثر به طور مسقیم، مطلبی از رقابت میسیونرهای فرانسوی با میسیونرهای امریکایی آورده نشده است، اما فعالیت‌های آموزشی لازاریست‌های فرانسوی در منطقه آذربایجان ایران، بررسی گردیده است. والدبورگر (۱۳۷۹) نیز در کتاب خود به فعالیت‌های میسیونری آلمان‌ها در ایران پرداخته است. نویسنده در فصل دوم از فردی به نام «هاس» ۱ سخن می‌گوید؛ او مبلغی آلمانی بود که به همراه پرکینز در تبریز اقامت داشت و در سفر دو هفته‌ای به ارومیه، او را همراهی کرد. این اثر ۲۰۵ صفحه است و تنها درباره همین سفر، از جاستین پرکینز و نستوریان سخن می‌گوید که تنها ۴ صفحه از حجم کتاب را دربرمی‌گیرد. این کتاب مطلبی درباره فعالیت میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ندارد.

### ایده اولیه میسیونرهای امریکایی برای فعالیت در میان مسلمانان

در کتاب گزارش سالانه انجمن امریکایی آمده است که مسلمانان غرب آسیا علل زیادی برای تنفر از آیین مسیحیت دارند؛ چراکه تا «همین چند سال گذشته» (منظور چند سال پیش از ۱۸۳۴م است) تمامی اشکال آیین مسیحیت که به مسلمانان ارائه گردیده، به نوعی با شرک و کفر درآمیخته بود. بنابراین انجمن مصمم گردید تا برای عرضه و معرفی انجیل با شیوه‌ای متفاوت که عاری از شعائر کفرآمیز و خرافی باشد، مبلغی به سوی مسلمانان ایران اعزام کند. (ABC FM, ۱۸۳۴: ۶۰) میسیونرهای امریکایی تمامی مذاهب مسیحیت غیر از مذهب خودشان (پروتستان) را کفرآمیز تلقی می‌کردند. منظور انجمن امریکایی از کاربرد عبارت «تا همین چند سال گذشته» به اولین فعالیت میسیونرهای پروتستان در ایران باز می‌گردد که توسط آلمان‌ها در سال ۱۸۳۳م در تبریز آغاز گردید؛ (والدبورگر، ۱۳۷۹: ۱۱۵) آن‌ها نیز پروتستان بودند. به همین خاطر انجمن،

فعالیت آن‌ها را از دیگر میسیونرهای مسیحی متمایز می‌سازد و کفرآمیز تلقی نمی‌کند. لازم به ذکر است که قبل از دوره قاجار، اطلاعاتی درباره فعالیت‌های تبلیغی میسیونرهای پروتستان مذهب در ایران در دست نیست، اما افرادی از این فرقه به ایران رفت‌وآمد داشتند. برای مثال در دوره صفویه و در حضور شاه عباس اول، میان جماعتی انگلیسی با مذهب پروتستان و گروهی کاتولیک مذهب، نزاع و بحث مذهبی درگرفت. آن‌ها در باب موضوعات مختلفی بحث کردند که یکی از آن‌ها مسئله «روزه» بود. شاه عباس در این زمینه از کاتولیک‌ها که قائل به گرفتن روزه بودند، دفاع کرد. (ستوده، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۳)

هر چند که وظیفه پرکینز و دیگر میسیونرهای امریکایی حاضر در ارومیه، تبلیغ در میان نسطوریان این شهر بود، (Perkins, ۱۸۸۷: ۱۱) اما فعالیت در میان مسلمانان که برگرفته از تفکر موجود در «انجمن امریکایی اعزام مبلغ به خارج» بود، یکی از دغدغه‌های ذهنی وی را تشکیل می‌داد. پرکینز معتقد بود که مردم مسلمان تبریز به خاطر ارتباط زیاد با اروپاییان، نسبت به بقیه مسلمانان ایران از تعصب کم‌تری برخوردار هستند. وی تبریز را بهترین محیط برای تبلیغ در میان مسلمانان می‌دانست. (Perkins, ۱۸۴۳: ۱۵۰)

با توجه به این سخن، مشخص می‌گردد که پرکینز حتی پیش از آغاز فعالیت در میان «نسطوریان ارومیه»،<sup>۱</sup> به فعالیت و تبلیغ در میان مسلمانان توجه داشته است. پرکینز معتقد بود که از طریق تبلیغ در میان مسیحیان ایران، به دست گروه‌هایی که صرفاً وظیفه تبلیغ در میان مسیحیان را بر عهده دارند، می‌توان در میان مسلمانان نیز به طور غیرمستقیم به تبلیغ پرداخت. (Perkins, ۱۸۴۳: ۱۵۰) این مسئله درباره گروه وی نیز کاملاً صدق می‌کرد. وظیفه اصلی میسیونرهای امریکایی نیز تبلیغ در میان نسطوریان آذربایجان بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که آنان نیز به دنبال فعالیت و تبلیغ غیرمستقیم در میان مسلمانان بوده‌اند.

### انگلیس و حمایت از میسیونرهای امریکایی

میسیونرهای امریکایی برای شروع فعالیت در ایران نیاز به حمایت داشتند، اما در آن زمان حمایت دولت امریکا را نداشتند. (الدر، ۱۳۳۳: ۳) زمانی که دکتر «گرت»<sup>۲</sup> در مسیر

۱ - به پی‌نوشت، ذیل عنوان «نسطوریان» رجوع گردد.

۲ - Grant: او از میسیونرهای امریکایی در ایران است.

سفر به ایران بود، در طرابوزان با فردی به نام «هنری ایلیس» آشنا گردید. او سفیر دولت انگلیس در ایران بود و به گرت اطمینان داد که قادر است در صورت نیاز، حمایت دولت ایران را برای آنان به دست آورد. (Grant & Lathrop, ۱۸۴۷: ۴۱-۴۲) «جاستین پرکینز»<sup>۲</sup> نیز پیش از این در ارزروم با وی آشنا شده بود و در زمان اقامت در تبریز در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۸۳۵م/ ۲۱ جمادی الثانی ۱۲۵۱ ق نامه‌ای مبنی بر درخواست حمایت از سوی دولت انگلیس به وی نوشت. (Perkins, ۱۸۴۳: ۲۱۸-۲۱۹) سرانجام میسیونرهای امریکایی تحت حمایت دولت انگلستان درآمدند، (Waterfield, ۱۹۷۳: ۱۰۳) اما اوضاع بر این منوال باقی نماند و در پی تیرگی روابط ایران و انگلیس، میسیونرهای امریکایی پشتوانه خود را از دست دادند.

### تیرگی روابط ایران و انگلیس

محمدشاه قاجار در اواخر سال ۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۸ م شهر هرات را فتح کرد. سفیر انگلیس، «سر جان مکنیل» که پیش از این حادثه، چندین بار محمدشاه را به ترک محاصره هرات فرا خوانده بود، از وی جدا شد و چند روز بعد کشتی‌های انگلیسی جزیره خارک را تصرف کردند. (شمیم، ۱۳۸۸: ۱۴۷ و ۱۴۴) در پی وقوع این حوادث، روابط ایران و انگلیس تیره شد و میسیونرهای امریکایی برای ادامه فعالیت در ایران و آذربایجان احساس خطر کردند؛ چراکه با خروج مقامات انگلیسی از ایران، حمایت این کشور را از دست دادند. پیش از این ذکر گردید که میسیونرهای امریکایی در اوایل حضور خود در ایران، تحت حمایت دولت انگلستان درآمدند. ماجرا از این قرار بود که جاستین پرکینز در هنگام ورود به ایران و تبریز در سال ۱۸۳۴ م/ ۱۲۴۹ ق، با استقبال اعضای کنسولگری انگلستان در تبریز مواجه شد و توانست با آنان روابط صمیمانه‌ای برقرار کند. در سال ۱۸۳۵ م/ ۱۲۵۰ ق سفیر انگلستان، هنری ایلیس به میسیونرهای امریکایی پیشنهاد داد تحت حمایت انگلستان قرار گیرند. گروه امریکایی نیز چنین کرد و رسماً تحت حمایت دولت انگلستان درآمد؛ تا این که در سال ۱۸۳۹ م/ ۱۲۵۴ ق (در پی تیرگی روابط ایران

1 - Henry Ellis

۲ - Justin Perkins: اولین میسیونر امریکایی در ایران که در میان نسطوریان آذربایجان به فعالیت پرداخت.

و انگلیس) دیپلمات‌های انگلیسی ایران را ترک کردند. (Waterfield, ۱۹۷۳: ۱۰۳) پیش از این نیز، سفیر انگلستان در تاریخ ۹ ژوئیه ۱۸۳۸ م/ ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۵۴ ق به همه صاحب‌منصبان انگلیسی در ایران دستور داده بود، خود را برای ترک این کشور آماده کنند. (Perkins, ۱۸۴۳: ۳۳۹-۳۴۰) میسیونرهای امریکایی در ایامی که روابط ایران و انگلیس رو به وخامت بود، فرمانی رسمی از محمدشاه قاجار در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۸۳۹ م/ ۲۷ ربیع‌الاول ۱۲۵۵ ق به این مضمون دریافت کردند:

السلطان بن السلطان محمدشاه غازی

«آن‌که عالی‌جاه، ذکاوت و فطانت همراه، فراست و کیاست‌انتباه، شهامت و فخامت‌اکتناه، زبده‌العلماء‌المسحیین و عمده‌الفضلاء‌العیسویین، مستر پرکینز، به توجهات بی‌کران خاطر خطیر اقدس شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده، بدانند که از قراری که عمّ افخم، ملک قاسم‌میرزا، به عرض اقدس همایون شهریاری رسانیده، آن عالیجاه به شوق و میل خود در بلده ارومیه مدرسه‌ای ترتیب داده، با سعی و دقت تمام مشغول تربیت و تعلیم جوانان و نشر علوم می‌باشد و این معنی، باعث ظهور التفات و مراحم شاهنشاه درباره آن عالیجاه گشته، محض وفور مرحمت، او را به صدور این همایون منشور عنایت‌دستور، قرین عزّ افتخار فرموده‌ایم. می‌باید آن عالیجاه در تربیت و تکمیل جوانان، زیاده از پیش‌تر، اهتمام و اجتهاد به عمل آورده، علم تاریخ و جغرافیا و هندسه و حساب به آن‌ها آموخته از ظهور این خدمت، خود را مشمول عواطف و عوارف شاهانه سازد و در این عهده شناسد. تحریراً فی ۲۷ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۵۵». (نوائی، ۱۳۶۹:

۱۲ / ۴۴۲؛ اقبال‌آشتیانی، ۱۳۲۵: ۶۱؛ فیضی، ۱۳۵۱: ۹۳۳؛ Perkins, ۱۸۴۳: ۴۲)

درواقع میسیونرهای امریکایی با دریافت این فرمان برای ادامه فعالیت در ایران، گامی مهم برداشتند. پرکینز خود نیز به ارزش این فرمان واقف بود و در نبود سفارت انگلیس و حمایت آن، این فرمان را دلگرم‌کننده و حامی گروه خود می‌دانست.

(Perkins, ۱۸۴۳: ۴۲۰)

**علل تأسیس آموزشگاه برای مسلمانان ارومیه**

**الف) جلب توجه مقامات ایرانی و مردم عادی**

از نگاه پرکینز، تأسیس مدرسه برای مسلمانان توسط گروه، امنیت لازم را برای



فعالیت در میان نسطوریان فراهم می‌ساخت. مسلمانان حداقل سه چهارم جمعیت ارومیه را تشکیل می‌دادند و میسیونرهای امریکایی در میان هم‌میهنان نسطوری مسلمانان، در حال فعالیت بودند. با توجه به این‌که در مجموع مسلمانان از هر طبقه و گروهی با میسیونرهای امریکایی با محبت رفتار می‌کردند، بی‌توجهی به آنان (مسلمانان) می‌توانست به نارضایتی آنان منجر شود. علاوه بر این، برخی از مقامات ایرانی نیز خواستار تأسیس چنین مدرسه‌ای بودند. (Perkins, 1843: 404) پیش از این ملک قاسم میرزا<sup>۱</sup> از پرکینز و گروهش خواسته بود که یک مدرسه برای آموزش زبان انگلیسی به کودکان مسلمان بگشایند. اما او از عملی کردن این درخواست طفره رفت. (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۵) محمدشاه نیز پیش از این با صدور فرمانی، از میسیونرهای امریکایی تفقد کرده و از آنان خواسته بود که در تعلیم به جوانان ایرانی (که شامل مسلمانان نیز می‌شد) بیش از گذشته سعی و تلاش کنند. (Perkins, 1843: 404؛ نوائی، ۱۳۶۹: ۲/۴۴۲) «قهرمان میرزا»<sup>۲</sup> نیز نسبت به فعالیت میسیونرهای امریکایی ابراز علاقه کرده بود. ملک قاسم میرزا نیز چندین بار از گروه امریکایی تقاضا کرده بود که برای مسلمانان نیز کاری صورت دهند. پرکینز به این مسئله توجه داشت که ادامه فعالیت در میان نسطوریان و بی‌توجهی به مسلمانان، می‌توانست احتمالاً زمینه‌ساز بی‌اعتمادی پادشاه و حاکمان وی نسبت به آنان گردد. این بی‌اعتمادی می‌توانست باعث گردد که مقامات ایرانی دست از حمایت امریکایی‌ها بردارند و به سوی میسیونرهای کاتولیک متمایل گردند. (Perkins, 1843: 404) میسیونرهای امریکایی برای تأسیس این آموزشگاه تا حدی خود را تحت فشار می‌دیدند. به نوشته میسیونرهای امریکایی، آنان برای «تلافی محبت و حمایت مردم مسلمان عادی و مخصوصاً مقامات ایرانی مسلمان و جهت جلوگیری از حسادت و تشویش ذهنی آنان نسبت به آموزش (امریکایی‌ها) به هم‌میهنان نسطوری آنان» آموزشگاهی برای مسلمانان ارومیه تأسیس کردند. (CMS, 1841: 92)

۱- او عموی محمدشاه قاجار است. ملک قاسم میرزا پسر بیست و چهارم فتحعلی‌شاه است که مورخ ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۲ ق متولد شد. او برادر تنی شاه‌زاده ملک منصور میرزا پسر سی و ششم فتحعلی‌شاه است. وی پس از رسیدن به بلوغ در دستگاه عباس میرزا مشغول به فعالیت گردید. او در سال ۱۲۵۰ ق نزد پرکینز به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت. وی در سال ۱۲۵۵ ق برای آزادی پروتستان‌ها در تبلیغات مذهبی و تأسیس آموزشگاه در ارومیه از محمدشاه فرمانی گرفت. (عضدالدوله، ۱۸۱: ۲۵۳۵)

۲- وی پسر هشتم عباس میرزا و برادر تنی محمدشاه قاجار بود. از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۷ ق حکمران آذربایجان بود. (قاجار: ۱۳۶: ۱۷۴)

برای ذکر نمونه‌ای دیگر باید از دیدار «ملک قاسم میرزا» با میسیونرهای امریکایی یاد کرد. او در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۸۳۶م/۹ رجب ۱۲۵۲ق از سوی قهرمان میرزا برای بررسی اوضاع میسیونرها به ارومیه رفت. او به گرمی با آنان رفتار کرد و با آن‌ها بر سر سفره شام نشست. «ملک قاسم میرزا» به شاگردان نسطوری مدرسه وعده داد که پس از اتمام تحصیل، مناصب شایسته‌ای در ارتش و دیگر ارگان‌ها برای آنان فراهم خواهد کرد. وی پس از بازدید از آموزشگاه، از فعالیت‌های میسیونرهای امریکایی گزارش مثبتی به قهرمان میرزا ارائه کرد. قهرمان میرزا نیز پس از گزارش وی، فرمانی به نفع میسیونرهای امریکایی صادر کرد. او در این فرمان، دستور داد سه سرباز به حفاظت از جان میسیونرهای امریکایی گماشته شوند. او به «نجف‌قلی خان» فرماندار ارومیه دستور داد از همه لحاظ از گروه امریکایی محافظت کند و ماهیانه به هر یک از سه سرباز فوق‌الذکر ۱۲ قران دستمزد دهد. (Perkins, ۱۸۴۳: ۲۸۷)

طبیعی است که میسیونرهای امریکایی نیز باید برای جبران زحمات و حمایت‌های مقامات آذربایجان و ارومیه، اقدامی مفید و شایسته انجام می‌دادند. به همین خاطر میسیونرهای امریکایی برای ادامه فعالیت در منطقه آذربایجان، علاوه بر کسب حمایت پادشاه ایران، نیازمند جلب توجه و اعتماد مسلمانان منطقه نیز بودند. بنابراین آنان در ادامه اقدامات خود، به فکر دایر کردن آموزشگاه برای مسلمانان ارومیه افتادند و در تاریخ ۸ ژانویه ۱۸۴۰م/۳ ذی‌القعدة ۱۲۵۵ق آموزشگاهی برای آنان تأسیس کردند. (Perkins, ۱۸۴۳: ۴۰۳) به گفته خود پرکینز، گروه امریکایی در مقایسه با دانش‌آموزان نسطوری، وقت و هزینه کم‌تری به دانش‌آموزان مسلمان اختصاص می‌داد. آنان آموزش به مسلمانان را فعالیتی جنبی می‌دانستند. (Perkins, ۱۸۶۱: ۷۲) سخن پرکینز کاملاً درست بود؛ چراکه هدف اصلی آنان در این زمان، فعالیت در میان نسطوریان ارومیه بود و پس از تیرگی روابط ایران و انگلیس تصمیم گرفتند به این فعالیت «جنبی» که همان آموزش به مسلمانان بود، رضایت دهند؛ تا بتوانند امنیت لازم برای ادامه فعالیت در این کشور را فراهم کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های میسیونرهای امریکایی برای فعالیت در میان مسلمانان، فراهم کردن

۱- او پسر حسینقلی خان و از حکمرانان آذربایجان بود. (ادیب‌الشعراء، ۱۳۴۵: ۳۷۹-۳۷۸)

امنیت‌شان بوده است. به خصوص که از نظر زمانی بین تیرگی روابط ایران و انگلیس (۱۸۳۹-۱۸۳۸م/۱۲۵۵-۱۲۵۴ق) تا تأسیس آموزشگاه برای دانش‌آموزان مسلمان (۱۸۴۰-۱۸۳۹م/۱۲۵۵ق) فاصله زیادی نبوده است.

### ب) رقابت با میسیونرهای دیگر برای جلب توجه مقامات ایرانی

برخلاف میسیونرهای امریکایی، بقیه میسیونرهای حاضر در آذربایجان ایران، مشتاق به فعالیت در میان همه مردم بودند. (۴۰۵-۴۰۴: ۱۸۴۳، Perkins) برای مثال فردی به نام «اوژن بوره» برای مسلمانان و ارامنه کلاس واحد تشکیل داد. (ناطق، ۱۳۶۸: ۱۹۰) او در سال ۱۸۳۷م/ ۱۲۵۳ق از سوی «مجمع علمی فرانسه» همراه با یک کشیش وارد تبریز شد و در صدد برآمد تا مدارسی تأسیس کند که در آن دانش‌آموزان مسلمان و مسیحی در یک کلاس در کنار هم بنشینند. بوره نخستین مدرسه‌اش را با ۱۴ دانش‌آموز در ۱۶ ژوئن ۱۸۳۹م/ ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۵۵ق در تبریز افتتاح کرد. از این تعداد سه نفر ارمنی و یازده نفر مسلمان بودند. بوره به یاری همین دانش‌آموزان، نخستین واژه‌نامه فرانسه-فارسی را تدوین و به محمدشاه قاجار اهدا کرد. (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۲) کنت دوسرسی (سفیر فوق‌العاده فرانسه) که در سال ۱۸۳۹م/ ۱۲۵۵ق برای انجام مأموریت سیاسی خود به ایران آمد، به تبریز هم سفر کرد. به گفته وی در آن زمان، بوره در شهر تبریز سی نفر دانش‌آموز مسلمان و مسیحی داشته است که در کنار یگدیگر به فراگیری زبان فرانسه، ریاضیات و جغرافیا مشغول بوده‌اند. (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۹۸) کار بوره به جایی رسید که مهدعلیا به وی وعده داد پسرش ناصرالدین میرزای ولیعهد را برای یادگیری زبان فرانسه نزد او بفرستد. محمدشاه نیز کتباً وی را به این کار تشویق کرد. (اقبال آشتیانی، ۶۳: ۱۳۲۵؛ ناطق، ۱۳۶۸: ۱۹۱) مدرسه‌ای که بوره در تبریز تأسیس کرد، «دارالعلم شناسایی ملل» نام داشت. ناصرالدین میرزای ولیعهد در همین مدرسه تحت تعلیم زبان فرانسه قرار گرفت. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۲)

میسیونرهای آلمانی (در قالب هیئت میسیونری بازل) نیز همچون میسیونرهای فرانسوی در میان مسلمانان فعالیت می‌کردند. هیأت میسیونری بازل، اولین انجمن پروتستان بود که کار خود را در ایران آغاز کرد. (والدبورگر، ۱۳۷۹: ۹۹) فردی به نام

«فردریش هاس»<sup>۱</sup> که عضو این هیئت بود، در سال ۱۸۳۳م/۱۲۴۹ق در شهر تبریز مدرسه کوچکی برای ارامنه افتتاح کرد. (والدبورگر، ۱۳۷۹: ۱۱۵) هاس در همین سال علاوه بر ارامنه، تعدادی ایرانی (مسلمان) را نیز در مدرسه خود پذیرفت. عباس میرزا و محمدشاه نیز نزد هاس تحصیل می‌کردند. (والدبورگر، ۱۳۷۹: ۱۵۳-۱۵۲) بنابراین میسیونرهای آلمانی نیز همچون میسیونرهای فرانسوی فعالیت خود را تنها به مسیحیان آذربایجان منحصر نکردند و در آموزشگاه‌های آنان به روی ایرانیان مسلمان نیز باز بود. با توجه به فعالیت میسیونرهای فرانسوی و آلمانی، میسیونرهای امریکایی نیز بر خود لازم دیدند تا در راستای جلب حمایت مقامات ایرانی و رقابت با دیگر میسیونرهای حاضر در آذربایجان، بخشی از فعالیت خود را به آموزش مسلمانان ارومیه اختصاص دهند. میسیونرهای فرانسوی در تبریز فعالیت داشتند و این احتمال نیز وجود داشت که با عدم فعالیت آموزشی میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ارومیه، پای آنان به ارومیه نیز بازگردد. در آن صورت موقعیت امریکایی‌ها می‌توانست با خطری جدی مواجه گردد. بنابراین میسیونرهای امریکایی برای دوری از خطر و باقی ماندن در عرصه رقابت، آموزشگاهی را برای مسلمانان در شهر ارومیه تأسیس کردند.

### ج) مساعد نبودن شرایط فعالیت در میان مسلمانان شهرهای دیگر ایران

«انجمن امریکایی اعزام مبلغ به خارج» پس از اعزام جاستین پرکینز به ایران، درصد درآمد تا شرایط تبلیغ در میان مسلمانان ایران را نیز ارزیابی کند. برای این منظور شخصی به نام «جیمز لیمن مریک»<sup>۲</sup> را به عنوان پیشگام در این عرصه انتخاب کردند. او در اوت ۱۸۳۴م/ربیع‌الثانی ۱۲۵۰ق در بوستون به قصد ایران سوار گشتی شد. مأموریت وی، اولین مأموریت از سوی کلیساهای امریکایی به سوی مسلمانان ایران به حساب می‌آمد. (ABC FM, ۱۸۳۴: ۶۰) هدف اصلی اعزام مریک به ایران، بررسی شرایط تبلیغ در میان مسلمانان بود. (ABC FM, ۱۸۴۰: ۱۱۱) او در نوامبر ۱۸۳۴م/رجب ۱۲۵۰ق به قسطنطنیه رسید و در این شهر مشغول فراگیری زبان ترکی شد؛ چراکه این زبان در نقاط زیادی از بخش شمالی ایران تکلم می‌شد. (Ander: ABC FM, ۱۸۳۵: ۵۴)

1 - Friedrich Haas

2 - James Lyman Merrick

son, ۱۹۹۹:۴۵۵) مریک در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۳۵م/ ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۵۱ق وارد تبریز (Campbell, ۱۸۴۴:۸۰, ۱۰۲; ABCFM, ۱۸۳۶:۵۴) و در ۶ ژوئن ۱۸۳۶م/ ۲۰ صفر ۱۲۵۲ق از تبریز عازم تهران شد. «هورنله»<sup>۱</sup> و «اشنایدر»<sup>۲</sup> از اعضای «انجمن میسیونری بازل»<sup>۳</sup> نیز در این سفر همراه وی بودند. (ABCFM, ۱۸۳۷:۶۷) آن ها ۲۴ ژوئن ۱۸۳۶م/ ۹ ربیع الاول ۱۲۵۲ق به تهران رسیدند و در ۴ ژوئیه<sup>۴</sup> ۱۸۳۶م/ ۱۹ ربیع الاول ۱۲۵۲ق از تهران عازم اصفهان شدند و طی ۱۱ روز به اصفهان رسیدند (۱۵ ژوئیه ۱۸۳۶م/ ۳۰ ربیع الاول ۱۲۵۲ق) و در منطقه جلفا سکنی گزیدند. آنان در جلفا که ساکنان آن عموماً ارمنیان بودند، به توزیع کتاب «مزامیر»<sup>۵</sup> حضرت داود و کتاب «امثال»<sup>۶</sup> سلیمان نبی مبادرت ورزیدند. خبر این مسئله به بیرون از جلفا رسید و چنین شایع شد که آنان قصد تغییر دین مسلمانان را دارند. کار به جایی رسید که زندگی مریک، هورنله و اشنایدر به خطر افتاد؛ به همین خاطر حاکم اصفهان، سی سرباز را مأمور حفاظت از جان آنان کرد. برخی از چهره‌های مذهبی اصفهان برای پی بردن به انگیزه حضور این سه نفر در جلفا، به دیدار آنان رفتند. میسیونرهای آلمانی (هورنله و اشنایدر) در این دیدار اذعان کردند که قصد دارند مدرسه‌ای برای ارمنیان تأسیس کنند و برنامه‌ای برای تبلیغ در میان مسلمانان ندارند. طبق گزارش انجمن امریکایی، کتاب‌های فوق‌الذکر در میان مسلمانان توزیع نشده بود. روز بعد پیکی، آنان را نزد فردی به نام «حاج سیدمحمدباقر»<sup>۷</sup> برد. در این جلسه علاوه بر میسیونرها و سیدمحمدباقر، ۱۵ نفر از روحانیون اصفهان و عده‌ای از مردم عادی نیز حضور داشتند. گویا سیدمحمدباقر قصد گفتگو و بحث با آنان را داشته است، اما آنان به گزارش انجمن امریکایی از ترس جمعیت، وارد بحث و گفتگو نشدند. مریک دو هفته در اصفهان ماند و پس از آن عازم شیراز شد. با توجه به شرایط پیش آمده،

1 - Hoernle

2 - Schneider

3 - Basle Missionary Society

۴ - در متن به اشتباه ژوئن (June) نوشته شده است. در حالی که در چند خط بالاتر، ذکر شده که در ششم ژوئن سفر مریک از تبریز آغاز شده است.

5 - Psalms

6 - Proverbs

۷ - منظور حجت‌الاسلام سید محمد باقر موسوی شفتی است.

از نظر مریک، اوضاع برای فعالیت و تبلیغ در میان مسلمانان (اصفهان) مساعد نبود. (ABCFM, ۱۸۳۷:۶۸) میسیونرهای آلمانی (هورنله و اشناپدر) بلافاصله پس از این ماجرا به تبریز بازگشتند. (Tracy, ۱۸۴۲:۳۳۰) انجمن به علت جمعیت زیاد اصفهان و مرکزیت این شهر در ایران، این شهر را (برای فعالیت مریک) ترجیح می‌داد، (ABCFM, ۱۸۳۴) اما با شرایط به وجود آمده، فعالیت در این شهر منتفی گردید. با توجه به تاریخ‌های ذکر شده، زمان تقریبی ترک اصفهان ۲۹ ژوئیه ۱۸۳۶ م/ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۲۵۲ ق بوده است.

انجمن در این زمان چنین نتیجه گرفت که شاید شرایط برای فعالیت مستقیم در میان مسلمانان مساعد نباشد و اصلاح کلیساهای شرقی را درآمدی بر فعالیت در میان مسلمانان قلمداد کرد. انجمن علت مساعد نبودن شرایط تبلیغ در میان مسلمانان را در این می‌دانست که آنان (مسلمانان) تمامی کلیساهای شرقی را نماینده دین مسیحیت می‌دانند (و به همه مسیحیان بدبین هستند). این در حالی است که اعضای کلیساهای شرقی به زعم انجمن امریکایی در جهالت و شرک به سر می‌بردند و زندگی شرم‌آوری داشتند؛ به همین خاطر صدای کلیساهای پروتستان به جایی نمی‌رسید. انجمن امریکایی در گزارش خود به سال ۱۸۳۷ م/ ۱۲۵۲ ق می‌نویسد: «این کلیساها (کلیساهای شرقی) همگی در دسترس ما هستند. تا زمانی که مستقیماً با تعصبات مذهبی مسلمانان برخوردی نداشته باشیم، حکمرانان مسلمان (در قلمرو کلیساهای شرقی) نسبت به تلاش‌های ما بی‌تفاوت خواهند بود.» انجمن حتی اذعان می‌کند که حکمرانان مسلمان می‌توانند در برابر خشونت احتمالی مسیحیان شرقی از آنان (امریکایی‌ها) حمایت کنند. (ABCFM, ۱۸۳۷:۶۹) مریک در تاریخ تقریبی ۲۹ ژوئیه ۱۸۳۶ م/ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۲۵۲ ق اصفهان را ترک کرد و عازم شیراز شد. مریک کمی بیش از هفت ماه در شیراز اقامت کرد؛ (ABCFM, ۱۸۳۸:۸۰) بنابراین به احتمال فراوان در ماه مارس ۱۸۳۷ م/ ذی‌الحجه ۱۲۵۲ ق از شیراز خارج شده است.

مریک در بدو اقامت در شیراز، مردم این شهر را بردبار و شکیبایافت و به همین خاطر به فعالیت در این شهر خوش بین گشت، اما دیری نپایید که امید وی به یأس تبدیل شد. طبق گزارش مریک به انجمن، چنان‌چه مسلمانی از آیین اسلام روی می‌گرداند، به مرگ محکوم می‌شد. به گفته وی این حکم «حتی» در شیراز نیز اجرا می‌گردید.

(ABC FM, ۱۸۳۸:۸۰) به احتمال فراوان مریک از قبل می دانسته که حکم تغییر دین یک فرد مسلمان، مرگ است، اما بنا به عللی نامشخص، تصور نمی کرد که این حکم در شیراز نیز اجرا گردد. استفاده از واژه «حتی» می تواند دلیلی بر این امر باشد.

مریک در راه بازگشت به آذربایجان، برای بار دوم در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۸۳۷م/ ۵ محرم ۱۲۵۳ق وارد اصفهان گردید. (ABC FM, ۱۸۳۸:۸۰) او ده روز در اصفهان به طور مخفیانه (به خاطر حوادث سال گذشته) اقامت داشت و سپس عازم همدان شد. مریک در تاریخ ۴ می ۱۸۳۷م/ ۲۸ صفر ۱۲۵۳ق وارد همدان گردید. او پس از بازگشت به آذربایجان، عمدتاً در ارومیه ساکن بود تا این که در نوامبر ۱۸۳۷م/ شعبان ۱۲۵۳ق به دعوت ملک قاسم میرزا به همراه وی به روستای «شیشوان»<sup>۲</sup> رفت. (ABC FM, ۱۸۳۸:۸۱) با توجه به این که انجمن از تجربه مریک در همدان سخنی نمی گوید، مشخص است که شرایط تبلیغ در این شهر نیز مطلوب نبوده است. مریک سه ماه در نزد ملک قاسم میرزا در روستای شیشوان زندگی کرد، اما در این مدت، وقت وی صرف آموزش زبان انگلیسی به ملک قاسم میرزا شد. او در تاریخ ۷ مارس ۱۸۳۸م/ ۱۰ ذی الحجه ۱۲۵۳ق به تبریز رفت (ABC FM, ۱۸۳۸:۸۱) تا از حضور در روستای شیشوان نیز نتیجه ای نگرفته باشد.

مریک در سپتامبر ۱۸۳۸م/ جمادی الثانی ۱۲۵۴ق فرمانی از سوی فرماندار آذربایجان مبنی بر اجازه تأسیس مدرسه در تبریز دریافت کرد. (ABC FM, ۱۸۳۹:۹۹) این فرمان توسط ملک قاسم میرزا از محمدشاه گرفته شده بود. وی از سوی شاه، مسئولیت نظارت بر تمامی مدارس عمومی ایالت آذربایجان را بر عهده داشت. محمدشاه قاجار طی فرمانی به مریک اجازه داد تا در آموزشگاه مزبور هر علمی را که بخواهد تدریس کند. (ABC FM, ۱۸۴۰:۱۱۲) به موجب این فرمان هرکس (مسلمان و غیر مسلمان) که مایل بود، می توانست در این مدرسه حاضر گردد. هدف از صدور مجوز برای این مدرسه، آشنایی شاگردان ایرانی با علم، هنر و تمدن کشورهای مسیحی بود، اما آموزشگاه اجازه نداشت آموزه های آیین مسیحیت را به شاگردان خود عرضه کند. مریک این موضوع را با انجمن در میان گذاشت و انجمن با تأسیس این آموزشگاه مخالفت کرد. (Tracy, ۱۸۴۲:۳۷۰) احتمالاً یکی از علل مخالفت انجمن با انجام این کار، مخالفت

1 - even

۲ - Sheshawan - فاصله این روستا تا ارومیه ۸۰ مایل (حدوداً ۱۲۹ کیلومتر) است. (Perkins, ۱۸۴۳:۳۰۰)

شدید مسلمانان تبریز و کاتولیک‌ها (مسیونرهای کاتولیک) با تأسیس این آموزشگاه بوده است. (Anderson, ۱۹۹۹: ۴۵۵) از سوی دیگر مسیونرهای امریکایی حق تبلیغ آیین مسیحیت را در این آموزشگاه نیز نداشته‌اند. این مسئله نیز می‌تواند دلیل دیگری برای مخالفت انجمن با تأسیس این مدرسه باشد.

انجمن در سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق به این نتیجه رسید که در این زمان تنها باید فعالیت مسیونرهای امریکایی در ارومیه ادامه پیدا کند. انجمن با توجه به آینده امیدبخشی که از فعالیت در ارومیه متصور بود، تأسیس آموزشگاه در تبریز را به صلاح ندانست. (ABCFM, ۱۸۴۰: ۱۱۲) یقیناً گسترش فعالیت در شهرهای دیگر و در میان مسلمانان، برای انجمن امریکایی مطلوب بوده است، اما به احتمال فراوان انجمن بیم آن داشته که فعالیت در میان مسلمانان تبریز در آن برهه از زمان که هنوز فعالیت در ارومیه، ثبات لازم را پیدا نکرده بود، منجر به شکست تلاش‌های آنان در ارومیه گردد.

مریک علاوه بر بررسی شرایط تبلیغ در میان مسلمانان ایران، زمان زیادی را نیز به ترجمه و تدوین کتاب «حیات القلوب»، اثر محمدباقر مجلسی، اختصاص داد. این کتاب درباره تاریخ زندگی پیامبر اسلام است. هدف مریک از ترجمه این کتاب، آشنایی خواننده با دین اسلام از طریق روایت‌های شیعه بوده است. (ABCFM, ۱۸۴۰: ۱۱۲) مریک علاوه بر ترجمه کتاب «حیات القلوب» ترجمه انگلیسی کتاب «عهد قدیم» را نیز ویرایش کرد. این ترجمه توسط گلن (معلم آموزشگاه مسلمانان ارومیه) انجام شده بود. با این حال مریک نتوانست برای تبلیغ در میان مسلمانان اقدامی را صورت دهد. (Tracy, ۱۸۴۲: ۴۲۵) مریک نزدیک به شش سال شرایط فعالیت در میان مسلمانان ایرانی را ارزیابی کرد. انجمن امریکایی به دلیل این‌که آینده روشنی برای فعالیت در میان مسلمانان متصور نبود، سرانجام اعلام کرد با ادامه فعالیت مریک جهت تبلیغ در میان مسلمانان سایر شهرها، مخالف است و صلاح نمی‌داند که گروهی مجزا از گروه حاضر در ارومیه، فعالیت داشته باشد. انجمن به مریک اجازه داد تا در صورت تمایل به گروه ارومیه بپیوندد. (ABCFM, ۱۸۴۱: ۱۱۶) مریک نیز در سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق از فعالیت در میان مسلمانان دست کشید و به گروه میسیونری نسطوریان در ارومیه پیوست. (Perkins, ۱۸۶۱: ۷۰)



زمینه ها و علل تأسیس آموزشگاه توسط میسیونرهای امریکایی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰م/ ۱۲۵۵ق ل ۴۷

مریک که به فعالیت در میان مسلمانان می‌اندیشید، پس از پیوستن به گروه پرکینز هم به جای فعالیت در میان نسطوریان، در میان مسلمانان به تبلیغ مسیحیت می‌پرداخت. شرایط به گونه‌ای پیش رفت که انجمن در سال ۱۸۵۴م/ ۱۲۷۰ق او را از ایران فراخواند. (Kidd, ۲۰۰۹: ۴۲) در فهرست کتاب‌های گزارش سالانه انجمن امریکایی، چاپ سال‌های ۱۸۴۱-۱۸۳۴م/ ۱۲۵۷-۱۲۵۵ق تیترا «هیئت اعزامی به سوی مسلمانان ایران»<sup>۱</sup> یا تیترا با همین مفهوم وجود دارد، اما از چاپ سال ۱۸۴۲م/ ۱۲۵۸ق و به بعد دیگر چنین تیترا دیده نمی‌شود. (برای مثال نک: ABCFM, ۱۸۴۱)

انجمن امریکایی در سال ۱۸۴۰م/ ۱۲۵۵ق برنامه ارزیابی تبلیغ در میان مسلمانان شهرهای دیگر ایران را متوقف کرد؛ چراکه جو غالب شهرهای ایران را برای تبلیغ مستقیم در میان سکنه مسلمان آن، مناسب ندید. در پی ناکامی در این پروژه، انجمن امریکایی تصمیم گرفت به جای تبلیغ آیین مسیحیت در میان مسلمانان شهرهای دیگر، به فعالیت آموزشی در ارومیه مبادرت ورزد. ارومیه شهری بود که میسیونرهای امریکایی نزدیک به پنج سال در آن سکونت کرده بودند و از سوی دیگر تأسیس مدرسه‌ای که در آن، زبان انگلیسی و جغرافیا به دانش‌آموزان آن تدریس شود، با اعتراض مسلمانان منطقه مواجه نمی‌شد؛ هر چند متن درسی آنان کتاب انجیل باشد. در این باره نیز تقارن زمانی ناکامی پروژه تبلیغ در میان مسلمانان شهرهای دیگر (۱۸۴۰م/ ۱۲۵۵ق) با تأسیس مدرسه در ارومیه (۱۸۴۰م/ ۱۲۵۵ق) شایان توجه است.

#### مواد درسی آموزشگاه امریکایی‌ها برای مسلمانان ارومیه

همان‌طور که پیش از این ذکر گردید، میسیونرهای امریکایی در تاریخ ۸ ژانویه ۱۸۴۰م/ ۳ ذی‌القعدة ۱۲۵۵ق آموزشگاهی برای مسلمانان تأسیس کردند. تعداد شاگردان این آموزشگاه، ده نفر بود که همگی مذکر بودند. (Perkins, ۱۸۴۳: ۴۰۳) در این مدرسه به شاگردان مسلمان، زبان انگلیسی و جغرافی تدریس می‌شد. زبان کلاس جغرافی، ترکی و فارسی بود. (Perkins, ۱۸۴۳: ۴۰۵) به احترام مسلمانان، آموزشگاه آنان در روزهای جمعه تعطیل بود. (Perkins, ۱۸۴۳: ۴۳۶) میسیونرهای امریکایی که نمی‌توانستند رسماً

در میان شاگردان مسلمان به تبلیغ مسیحیت پردازند، متن درسی آنان را از کتاب انجیل انتخاب کردند. آن‌ها در توضیح متن انجیل و انتقال مسائل اخلاقی، مذهبی و فکری کاملاً آزادی عمل داشتند. (Perkins, ۱۸۴۳: ۴۰۵; Perkins, ۱۸۶۱: ۷۲) شایان ذکر است که از متن انجیل، هم برای تدریس زبان انگلیسی استفاده می‌شد و هم برای آموزش جغرافیا. (Van Gorder, ۲۰۱۰: ۱۲۲) فردی جوان به نام «رابرت گلن» که ۱۸ سال داشت، به استخدام میسیونرهای امریکایی درآمد تا مسئولیت تدریس زبان انگلیسی به شاگردان مسلمان را برعهده گیرد. پرکینز او را در امر تدریس شایسته می‌دانست. (ABCFM, ۱۸۴۰: ۱۰۶-۱۰۷) گلن پیش از این، عضو انجمن میسیونری اسکاتلند بود. (ABCFM, ۱۸۳۹: ۱۰۱)

علاوه بر فعالیت آموزشی، میسیونرهای امریکایی به امور درمانی مسلمانان ارومیه نیز می‌پرداختند. یکی از میسیونرهای امریکایی به نام دکتر گرنت پس از اقامت در ارومیه، درمانگاه تأسیس کرد. (Laurie, ۱۸۵۳: ۶۴) علاوه بر نسطوریان، مسلمانان نیز برای مداوای خود نزد دکتر گرنت می‌رفتند. برخی از روحانیون و خانواده‌های شان نیز در زمره بیماران گرنت بودند. (Campbell, ۱۸۴۴: ۱۱۱-۱۱۲) افراد سرشناسی چون حاکم ایالت آذربایجان، دو نفر از شاه‌زاده‌های سلطنتی قاجار و افراد سرشناس دیگری نیز برای درمان بیماری‌های خود به دکتر گرانت مراجعه می‌کردند. (Laurie, ۱۸۵۳: ۶۶) دکتر گرنت روزانه چهل تا پنجاه بیمار را معاینه می‌کرد. (Grant & Lathrope, ۱۸۴۷: ۵۲) درمانگاه دکتر گرنت، اولین درمانگاه مدرن در ایران به حساب می‌آید. (Hourani, Khou, ۱۹۹۳: ۱۵۳)

## نتیجه

در این پژوهش، زمینه‌ها و علل تأسیس آموزشگاه از سوی میسیونرهای امریکایی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق بررسی شد. تا پیش از سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق میسیونرهای امریکایی حتی با درخواست فردی مثل ملک قاسم میرزا برای آموزش به مسلمانان، مخالفت می‌کردند؛ چراکه کشوری مثل انگلستان حامی آنان بودند، اما در پی

وقوع مسئله هرات در زمان محمدشاه قاجار، روابط ایران و انگلیس تیره شد و میسیونرهای امریکایی به دلیل خروج مقامات انگلیسی از ایران، پشتیبان خود را از دست دادند. میسیونرهای امریکایی برای تضمین امنیت خود در ارومیه، موضع خود را در مقابل مقامات ایرانی تغییر دادند و با تأسیس آموزشگاه برای مسلمانان در پی کسب حمایت مقامات ایرانی برآمدند. علاوه بر این، آنان به دفعات تفقد و محبت مقامات ایرانی و شخص محمدشاه قاجار را دیده بودند و نمی توانستند به رویه خود که تنها فعالیت در میان نسطوریان ارومیه بود، ادامه دهند. بنابراین برای جبران توجه و محبت مقامات ایرانی و بدین نساختن آنان نسبت به خود، به تأسیس آموزشگاهی برای مسلمانان رضایت دادند. دلیل دیگر این که میسیونرهای آلمانی و پس از آنان میسیونرهای فرانسوی نیز علاوه بر فعالیت در میان مسیحیان ایران، به مسلمانان منطقه آذربایجان نیز آموزش می دادند. بنابراین میسیونرهای امریکایی برای رقابت با آنان هم که شده، باید در حد قابل قبولی بخشی از فعالیت خود را به مسلمانان ارومیه اختصاص می دادند. میسیونرهای فرانسوی در تبریز فعالیت می کردند و میسیونرهای امریکایی در ارومیه و روستاهای اطراف آن. این احتمال وجود داشت که با عدم فعالیت میسیونرهای امریکایی در میان مسلمانان ارومیه، پای میسیونرهای فرانسوی به آن ناحیه نیز باز گردد. دلیل آخر میسیونرهای امریکایی برای تأسیس آموزشگاه برای مسلمانان ارومیه، به نامساعد بودن شرایط و اوضاع فعالیت در سایر شهرهای ایران باز می گشت. فردی به نام «مریک» از میسیونرهای امریکایی نزدیک به پنج سال شرایط فعالیت در میان مسلمانان سایر شهرهای ایران را سنجید و سرانجام به این نتیجه رسید که فعالیت مزبور در آن برهه از زمان سنجیده نیست. بنابراین میسیونرهای امریکایی تصمیم گرفتند در منطقه ای که از قبل سکونت داشتند، آموزشگاهی برای مسلمانان تأسیس کنند. تقارن توقف بررسی شرایط فعالیت در میان سکنه مسلمان شهرهای ایران (غیر از ارومیه) و تأسیس آموزشگاهی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰م/ ۱۲۵۵ق، گواهی بر این مدعاست.

پی نوشت

نسطوریان:

عقاید مسیحیان نسطوری ریشه در عقاید فردی به نام نسطوریوس دارد. او در

آوریل ۴۲۸ م به فرمان «تئودوسیوس دوم»<sup>۱</sup> (۴۵۰-۴۰۸ م) امپراتور روم به مقام اسقفی قسطنطنیه منصوب گردید. یکی از اعتقادات نسطوریوس این بود که حضرت مریم تنها یک زن است و ممکن نیست خدا از یک زن زاده شود. وی این مسئله را در موعظه‌ای در سال ۴۲۹ م اعلام کرد. (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۰). فردی به نام «سیریل اسکندرائی» علیه عقاید نسطوریوس شدیداً موضع گرفت. (هاروی، ۱۳۹۰: ۲۷۶) وی با توسل به شیوه‌های گوناگون توانست توجه کلیسای روم را به خود جلب کند. در پی اقدامات او نسطوریوس از مقامش عزل و به تبعید محکوم گردید. او طی چهار سال به تناوب به مناطق مختلفی تبعید شد تا این که سرانجام در مکانی نامعلوم و در حال بیماری درگذشت. (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۵) پس از مرگ نسطوریوس، شهر «اِدِسا» به کانونی جهت تمرکز نسطوریان تبدیل گردید؛ به دلایلی در سال ۴۸۹ م مدرسه ادسا نیز بسته شد. در پی این اقدام، نسطوریان به ایران مهاجرت کردند. نسطوریان به زندگی خود در ایران ادامه دادند تا این که در قرن ۱۹ میلادی/قرن ۱۳ هجری قمری برخی شرکت های تجاری از حضور نسطوریان در کوه‌های کردستان و آذربایجان ایران مطلع گردیدند. گزارش این افراد به اروپا و امریکا مبنی بر حضور نسطوریان در ایران، تعجب بسیاری را برانگیخت. پس از آن، نسطوریان ایران توجه هیأت‌های میسیونری را جلب کردند که از میان آن‌ها، پروتستان‌ها توجه خاصی به آنان داشتند. (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۸۹) به نظر می‌رسد که نسطوریان از نژاد سامی و آرامی باشند. (Elgood, 2010: 45) نسطوریان ارومیه نیز خود را از نژاد یهودیان می‌دانستند. آن‌ها مدعی بودند درحالی که بقیه مسیحیان شرقی اجدادی کافر دارند، اما اجداد آن‌ها موحد و یهودی بوده‌اند. نسطوریان ارومیه از این که در منازل خود از تصاویر استفاده کنند، نفرت داشتند. (Perkins, 1843: 2) دکتر گرنٹ معتقد بود که نسطوریان ارومیه از نسل ده قبیله گمشده اسرائیل هستند. (Anderson, 1872: 1/200) مقارن ورود میسیونرهای امریکایی به آذربایجان، نسطوریان از نظر اقتصادی و فرهنگی وضعیت رقت‌انگیزی داشتند و شرب خمر به طور افراطی در میان آنان رواج داشت. (الدر، ۱۳۳۳: ۸)

### کتاب نامه

- ادیب الشعراء، میرزا رشید (۱۳۴۵). *تاریخ افشار*، به کوشش محمود رامیان و پرویز شهریار افشار، تبریز، شورای مرکزی جشن ملی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی آذربایجان غربی.
- اردلی، ورا (۱۳۴۱). هنری مارتین، ترجمه سهیل آذری، چ ۱، تهران، نور جهان.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۵). «مکاتیب تاریخی: داستانی از مبلغین عیسوی در ایران در عهد محمد شاه قاجار»، *مجله یادگار*، سال سوم، شماره ششم و هفتم، ۶۶-۶۰.
- الدر، جان (۱۳۳۳). *میسیون امریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، تهران، نور جهان.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱). *پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S. در دوره قاجاریه*، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- دوسرسی، لوران (۱۳۶۲). *ایران در (۱۸۴۰-۱۸۳۹م) سفارت فوق العاده کنت دوسرسی*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- دهقان، علی (۱۳۴۸). *سرزمین زردشت: اوضاع طبیعی سیاسی اقتصادی فرهنگی اجتماعی تاریخی رضائیه*، تهران، ابن سینا.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۳). *اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی*، با همکاری ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۸). *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، زریاب. چ ۶.
- شهیدانی، شهاب (۱۳۸۷). *بررسی روند فعالیت های مبلغان مسیحی اروپایی در ایران از صفویه تا قاجار*، دانشگاه تبریز، رساله دکتری.
- عضدالدوله، احمد میرزا (۲۵۳۵). *تاریخ عضدی*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، چ ۱.
- فیضی، محمد (۱۳۵۱). «فرمان محمد شاه قاجار درباره نخستین آموزشگاه آمریکائی در ایران»، *وحد*، دوره دهم، شماره هشتم، صفحات ۹۳۳-۹۳۱.
- قاجار، نادر میرزا (۱۳۶۰). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، با شرح محمد مشیری، تهران، اقبال.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بنیان و پیشروان*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- متولی، عبدالله (۱۳۸۴)، «نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی امریکایی‌ها در ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، پاییز، شماره ۹.
- ناطق، هما (۱۳۶۸). *ایران در راه یابی فرهنگی، پاریس، انتشارات خاوران و مرکز پخش پگاه*. ۲.چ.
- ناطق، هما (۱۳۷۵)، *کارنامه فرهنگی فرهنگی در ایران، تهران، خاوران*، ۱.چ.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصر، تهران، مؤسسه نشر هما*، ۱.چ، ۲.ج.
- والدبورگر، آندارس (۱۳۷۹). *مبلغان آلمانی در ایران، ترجمه علی رحمانی و دیگران، تهران، وزارت امور خارجه*.
- هاروی، ون آستن (۱۳۹۰). *فرهنگ الهیات مسیحی، ترجمه جواد طاهری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱.چ.
- همراز، ویدا (۱۳۹۱)، *مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*، ۱.چ.
- هوشنگی، لیلیا (۱۳۸۹)، *تاریخ و عقاید نسطوریان، تهران، بصیر*، ۱.چ.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1834). *Annual Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston, The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1835). *Annual Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston, The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1836). *Annual Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Mis-*

زمینه ها و علل تأسیس آموزشگاه توسط میسیونرهای امریکایی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰م/ ۱۲۵۵ق ل ۵۳

*sions*, Boston,

- The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1837). *Annual*

- *Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston,

- The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1838). *Annual*

- *Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston,

- The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1839). *Annual*

- *Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston,

- The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1840). *Annual*

- *Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston,

- The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Missions (1841). *Annual*

- *Report Of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, Boston,

- The Board.
- ABCFM or American Board of Commissioners for Foreign Mis-

sions (1834 B). *The*

- *Missionary herald*, Boston, Crocker & Brewster, V 30.
- Anderson, Gerald H (1999). *Biographical Dictionary of Christian Missions*, Michigan, William B. Eerdmans Publishing Company.
- Anderson, Rufus (1872). *History of the Missions of the American Board of Commissioners for Foreign Missions to the Oriental Churches*, Boston, Congregational Publishing Society, V 1.
- Butler, John (2001). *Becoming America: The Revolution before 1776*, third printing, US, Harvard University Press.
- Campbell, William W (1844). *A Memoir of Mrs. Judith S. Grant, Late Missionary to Persia*, New York, J. Winchester.
- CMS or Church Missionary Society (1841). *CMS Missionary Register*, London, L. & G. Seeley.
- Elgood, Cyril (2010). *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate*, New York, Cambridge University Press.
- Grant, Asahel & A.C. Lathrop (1847). *Memoir of Asahel Grant, M.D.: Missionary to The Nestorians*, New York, M.W. Dodd.
- Hourani, Albert Habib & Philip Shukry Houry & Mary Christina Wilson (1993).



- The Modern Middle East: A Reader, Berkeley & Los Angeles, university of California press.
- Joseph, John (1961). *The Nestorians and their Muslim neighbors*, New Jersey, Princeton university press.
- Kidd, Thomas S (2009). *American Christians and Islam: Evangelical Culture and Muslims from the Colonial Period to the Age of Terrorism*, Princeton, Princeton University.
- Laurie, Thomas (1853). Dr. Grant and the mountain Nestorians, Boston, Gould and Lincoln.
- Martyn, Henry (1837). *Journals & Letters*, edited by Samuel Wilberforce, London, Seely & Burnside, V 2.
- Perkins, Henry Martyn (1887). *Life of Rev. Justin Perkins*, New York, Fleming H. Revell Company.
- Perkins, Justin (1843). *A Residence of eight years in Persia among the Nestorian Christians*, New York, Allen Morrill & Wardwell.
- Perkins, Justin (1861). *Missionary life in Persia*, Boston, American tract society.
- Putney, Clifford & Paul T Burlin (2012). *The Role of the American Board in the*

- *World*. Eugene, Wipf & Stock.
- Religious Tract society (1888). *A Handbook of Foreign Missions : containing an account of the principal Protestant missionary societies in Great Britain, with notices of those on the Continent and in America; also an appendix on Roman Catholic missions*, London, Religious tract society.
- Tejirian, Eleanor H & Reeva Spector Simon (2014). *Conflict, Conquest, and Conversion: Two Thousand Years of Christian Missions in the Middle East*, New York City, Columbia University Press.
- Tracy, Joseph (1842). *History of the American Board of Commissioners for Foreign Missions*, New York, M.W. Dodd.
- Van Gorder, A. Christian (2010). *Christianity in Persia and the Status of Non-Muslims in Iran*, the US, Lexington Books.
- Waterfield, Robin (1973). *Christians in Persia*, London, George Allen & Unwin LTD.